

# زنگنه

سال هفتم • شهریور ماه ۷۷ • ۷۶ صفحه • ۳۰۰ تومان

۴۶

طراز زمین من  
MY LAND

نامه‌ی بیژن و اکی  
قسم می‌خورم پیرای  
شب سیراب به  
فکر تیر لژی نبودم!



پوران در خشنده  
و فیلمی درباره  
سیاهان امریکا



تصویر مامور شایان در  
ذهن بچه‌ها  
دختران افغانی، مرده  
مردان جنگی طالبان



زودپز رنگی

# نسل جدید سب



همراه با تخفیف ویژه  
نمایشگاه بین المللی  
دسالن ۲۸

**رنگی - شستشوی آسان**  
زودپز رنگی سب با پوشش لاکه نسوز برای شستشوی آسان، زیبایی را به کارایی زودپزهای سب افزوده است.



**سیستم حفاظتی - ایمنی در مصرف**  
زودپز رنگی سب با سه سیستم حفاظتی و رکاب استیل حداکثر ایمنی و سهولت استفاده را ایجاد می کند.



**کف ضخیم - پخت یکنواخت**  
زودپز رنگی سب با کف ضخیم مناسب ترین توزیع حرارت را برای پخت سریع و خوش طعم ممکن می سازد.



## SEB ▲ ایران سب

محصولی از ایران سب - با مشارکت گروه سب فرانسه  
تلفن واحد فروش: ۶۷۰۵۴۰ و ۶۷۰۶۴۰ فکس: ۶۷۵۵۶۴



# ساتینل ویتس، سریع ترین روش جهت دستیابی به پوستی لطیف تر



ساتینل ویتس (Satinelle Vitesse) محصولی از فیلیپس، سریع ترین، آسان ترین و راحت ترین راه برای رهایی از موهای ناخواسته است. فقط با ۱۰ دقیقه صرف وقت می توانید، تا چهار هفته از پوستی نرم بهره مند شوید.

بر خلاف دستگاه های موکن دیگر ساتینل ویتس از یک سیستم منحصر بفرد که در هر ثانیه ۷۰۰ بار باز و بسته می شود برخوردار می باشد. دیسک های کوچک دورانی با سرعت بسیار و حرکت دقیق موها را (حتی به ارتفاع نیم میلی متر) گرفته و از ریشه درمی آورد. بنابراین موزدایی در مدت زمانی کمتر از همیشه انجام می گیرد!

ساتینل ویتس در دو مدل برقی و برق / شارژ در دسترس شما می باشد.



بیایید محصولات را بهتر بسازیم.



**PHILIPS**

بازرگانی فیلی قسم: خیابان شهید محمد منتظری روبروی بازارروز، تلغن: قسم ۲۲۷۵، فاکس: قسم ۲۴۹۶  
با خدمات بعد از فروش



طعم طبیعی غذا

با

# مایکروفر بوتان

پاکیزه ترین ، سریع ترین ، ایمن ترین ، با صرفه ترین  
روش پخت و پز

## بوتان

انتخابی مطمئن



با ضمانت یکساله و شبکه وسیع خدمات مشتریان در سراسر کشور



شرکت صنعتی بوتان (سهامی عام)

تلفن دفتر فروش: ۴-۵۲۲۹۰۹۰ دورنویس: ۵۲۲۹۰۹۵

# زنان

سال هفتم شماره ۴۶ شهریور ۷۷  
زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یکبار در ماه منتشر می‌شود

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## از درون جامعه

- ۲ دختران افغانی، مزد مردان جنگی طالبان: آرزو فکری ارشاد  
۵ تأسیس نخستین مدرسه دخترانه به همت زنان: نوشین احمدی خراسانی  
۶ تصویر مادر شاغل در ذهن بچه‌ها: پروین اردلان  
۱۴ صفحه مردان  
۱۶ شرطی برابر با هیچ! (آموزش حقوق زن ۱۶): مهرانگیز کار

## هنر و ادب

- ۱۷ فتانه حاج سیدجوادی: شکایت را به تعویق انداختم: نازنین شاه‌رکنی  
۲۰ قسم می‌خورم که به فکر تیراژ نبودم! (گفت‌وگو با ناهید پژواک، نویسنده شب سراب)  
۲۲ قضیه شب شراب و بامداد خمار: کریم امامی  
۲۴ انجماد (داستان): نصرت ماسوری  
۲۵ شعر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت  
ویراستار: لیلا صمدی  
طراح گرافیک: لیلی شرکت  
مدیر تبلیغات و آگهی‌ها: نیلوفر اعتمادی  
تلفن آگهی‌ها: ۵۳ و ۸۰۴۸۰۵۰  
فکس آگهی‌ها: ۸۰۴۸۰۵۳  
۲۶ پوران درخشنده و فیلمی درباره سیاهان امریکا: الهام خاکسار  
۳۲ مرثیه‌ای بر فرجام عشق (گذری بر نمایش بازی هفتم): افروز فروزند  
۳۳ سینمای زنان ۲: علیرضا خاکسار  
۳۵ این بازی سرنوشت! (یادداشتی بر فیلم زندگی): آنتونیا شرکاء  
۳۶ طلاق به سبک ایرانی (فیلمی از یک جشنواره): غزاله صدر

## دانش زندگی

- طرح روی جلد: کوروش پارسا نژاد  
چاپ: چاپ گستر، تلفن: ۶۰۲۶۸۷۱  
چاپ رنگی: چاپ نظر، تلفن: ۸۸۲۸۹۰۳  
صندوق پستی: ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵  
تلفن: ۸۸۴۰۶۷۸  
فکس: ۸۸۳۹۶۷۴  
شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱  
«زنان» در زمینه فعالیت‌های هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.  
«زنان» در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.  
مطالب فرستاده شده بازگردانده نمی‌شود.  
حقوق چاپ و انتشار، نقل مطالب، طرح‌ها و عکس‌ها
- ۳۸ استروژن، معمای جوانی پایدار: کلودیا والیس، ترجمه لیلا سازگار  
فرهنگ و اندیشه  
۴۲ حوا، تصویر اسلامی زن: جین ا. اسمیت و ایوان حداد، ترجمه ناهید میرکیانی (شفیعی)  
۴۷ احتضار پدرسالاری: دکتر الیزابت بدانتر، ترجمه و تلخیص دکتر افسانه وارسته‌فر

## چشم‌انداز

- برای مجله «زنان» محفوظ است. ۵۲ کتابخانه زنان: گلی امامی  
License Holder & Editorial Director: ۵۴ اطلس زنان: جونی زیگر، ترجمه زهره زاهدی  
Shahla Sherkat ۵۶ هرچه از دوست رسد...  
Zanan is a persian - language journal ۵۸ نامه ماه  
published monthly. ۵۹ خبر

Each issue contains articles and reports  
related to women's issues.



آرزو فکری ارشاد

# دختران افغانی مزد مردان جنگی طالبان

زمینی وسیعی، بند دفاعی کابل، را در هم شکست و آن را به تصرف درآورد.

در سال ۱۹۹۸، طالبان در ادامه پیشروی خود مزارشریف را تصرف و حدود ۱۰ هزار نفر از اهالی آن را قتل‌عام کرد. طالبان همچنین اقدام به گروگان‌گیری مقامات ایرانی در مزارشریف کرد و ۱۱ دیپلمات ایرانی، خبرنگار ایرنا و برخی از رانندگان ایرانی را به گروگان گرفت اما از به عهده گرفتن مسئولیت این گروگان‌گیری سر باز زد و در ۱۹ شهریور به جنایت خود اعتراف و برای تحویل دادن اجساد دیپلمات‌ها اعلام آمادگی کرد.

از سوی دیگر هزاران آواره افغانی که از مناطق شمالی به شهر بامیان پناه برده بودند در معرض خطر حمله طالبان قرار گرفتند. سرانجام بامیان نیز با دخالت هواپیماهای پاکستانی به تصرف طالبان درآمد.

گزارش‌های گوناگون حاکی از آن است که طالبان

در نیمه دوم سال ۱۹۹۴، گروه نظامی جدیدی، به نام طالبان، در افغانستان سر برآورد (واژه طالبان جمع واژه طالب است که در زبان افغانی به معنی شاگرد علوم دینی است). این گروه که حدوداً ۲۵ هزار رزمنده دارد طرفدار اتمالی افراطی همچون جداسازی کامل زنان از جامعه است و طبق گزارش‌ها بیشتر اعضای آن فارغ‌التحصیلان جوان پشتون مدارس بنیادگرای اسلامی‌ای هستند که آوارگان افغانی در پاکستان تأسیس کرده‌اند. هرچند این گروه در آغاز منعی بود که در پی کسب قدرت نیست اما در اکتبر ۱۹۹۴، به رهبری ملا محمد عمر، قندهار را از تصرف نیروهای حکمتیار خارج کرد. در فوریه ۱۹۹۵، طالبان طی یک ماه ۱۰ ایالت را، عمدتاً در جنوب و جنوب شرقی افغانستان، تصرف کرد. در اوایل سپتامبر ۱۹۹۵، طالبان هرات، شهر کلیدی غرب افغانستان، و ایالت مجاور آن را تصرف کرد. اوایل ژانویه ۱۹۹۶، طالبان، طی حمله هوایی و

۶۶ می‌کشند، می‌پزند، غارت می‌کنند و به اسارت می‌گیرند. زنان را مانند اشیاء قسمت می‌کنند و دختر ۱۵ ساله را به مرد ۶۵ ساله هدیه می‌دهند. تفریح آنها بریدن دست‌هاست و برای رفع خستگی جوانان را در استادبوم‌های ملی گردن می‌زنند.

اما یک خبر تکان‌دهنده‌ترین و مهلک‌ترین خبر بود. نیروهای نظامی طالبان به کنسولگری ایران در مزارشریف حمله کردند و کارکنان ایرانی را به رگیار بستند. دو روز بعد اجساد را به خارج از شهر منتقل کردند و در گوری جمعی به خاک سپردند. محمود صارمی نیز در میان آنان بود، تنها خبرنگار ایرانی در افغانستان!

آنچه می‌خوانید گزارشی خبری است از تاریخچه شکل‌گیری این گروه، خبرهای منتشرشده درباره آن و بخش‌هایی از معرفی‌نامه‌ای که طالبان از خود روی شبکه اینترنت فرستاده است. ۶



در مسیر تصرفات خود غیرنظامیان را قتل عام و شهرها را غارت می‌کند و به‌رغم آن که سازمان ملل مکرراً از طالبان درخواست مذاکره کرده، طالبان توجهی نمی‌کند. همچنین سازمان ملل از دیگر کشورها خواسته است از فروش اسلحه به طالبان و حمایت نظامی از آنها دست بردارند. با این حال می‌گویند طالبان صدها هزار دلار کمک انسان‌دوستانه از اسرائیل دریافت کرده است. همچنین جنگنده‌های پاکستانی به حمایت از طالبان مواضع جبهه متحد را در افغانستان بمباران کرده‌اند. خبر می‌رسد طالبان در خاک پاکستان زندان و شکنجه‌گاه‌های خصوصی دایر کرده است و مردان و زنان بسیاری را در آنها شکنجه می‌کند.

هم‌اکنون طالبان به بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان میل شده است و در اردوگاه‌های خود خطرناک‌ترین تروریست‌ها را تربیت می‌کند. به گزارش روزنامه ال موندو، گروه طالبان با ممنوع کردن تماشای تلویزیون، بستن سالن‌های سینما و تئاتر، و قدغن کردن کردن پخش موسیقی، اعدام و شکنجه در اماکن عمومی را وسیله‌ای برای

پوشش پارچه‌ای ویژه طالبان (بورقه) را نداشت تا با پوشاندن آن به دخترش او را به کلینیک یا بیمارستان برساند. بدین ترتیب دخترک از درد شدید معده جان سپرد.

زنان نیز در مقابله با این ظلم مضاعف، برای رویارویی با طالبان مسلح شده‌اند. در منطقه پنجشیر افغانستان، به‌رغم دستور احمد شاه مسعود، فرمانده نیروی نظامی طرفدار برهان‌الدین ربانی، مبنی بر خروج زنان و کودکان از منطقه، کسی حاضر به خروج از منطقه نشده و تمامی زنان همدوش مردان آماده مبارزه با طالبان شده‌اند. این در حالی است که در مناطق اشغالی طالبان دروازه شهرها به روی خبرنگاران و دیپلمات‌های خارجی بسته است.

طالبان اخیراً احکام جدید خود را منتشر کرده است که بر اساس آن: مردان حق تراشیدن ریش خود را ندارند و نباید با زن نامحرم یا زن اجنبی در محله و خیابان سخن بگویند زیرا ۸۴ ضربه شلاق حد خواهند خورد. زنان نیز حق تحصیل و اشتغال ندارند و باید در خانه به وظایف همسراری و بچه‌داری بپردازند. طبق این احکام، تلویزیون و سینما حرام

است. بازگرداندن امنیت به ساکنان شهرها؛ دولت اسلامی افغانستان (طالبان) هزاران گروه کوچک و بزرگ راهزن و خودمختار را خلع سلاح و قانون شرعی اسلام را اجرا کرد. تمامی ساکنان این سرزمین‌ها، که سرزمین‌های آزاد شده نامیده می‌شوند، در چارچوب دین مقدس اسلام، به یکسان و بدون در نظر گرفتن نژاد، زبان، قوم یا مذهب حمایت شدند.

همهٔ اموالی که دولت یا اشخاص، به زور یا با نیرنگ و فریب، از مردم گرفته بودند به صاحبان اصلی آنها بازگردانده شد. تمام جاده‌ها و اتوبان‌هایی که به دست قدرت‌های نامشروع بسته شده بودند برای تردد مردم و کالاها بازگشایی شدند.

۲- مذاکرات سالم و صادقانه: دولت اسلامی افغانستان (طالبان) اقدام به انجام دادن مذاکراتی سالم و مفید با کسانی کرد که هنوز به تشکیل دولت افغانستان واحد علاقه‌مند بودند. این دولت از کشورهای همسایه مکرراً درخواست کرده است کمک‌های مالی و نظامی خود را به مخالفان طالبان قطع کنند و از نفوذشان برای به‌پای میز مذاکره کشاندن این افراد استفاده کنند.

## ● طالبان به هر یک از مردان خود که فردی از خانواده‌اش را در جنگ از دست داده باشد زن هدیه می‌دهد.

سرگرمی مردم قرار داده است. هر جمعه در استادیوم ملی کابل، در صحنه‌های نمایش اعدام، قطع اعضای بدن و آزار و شکنجه، کودکان خردسال ذرت بوداده، نوشابه و نان می‌فروشند.

اما برجسته‌ترین حرکت‌های طالبان در مورد زنان افغانی صورت گرفته است. در سرزمین‌هایی که به تصرف طالبان درمی‌آید، زنان بدون پوششی، به نام «بورقه»، حق خارج شدن از منزل ندارند. «بورقه» در حقیقت کیسه‌ای است ضخیم که زن باید خود را درون آن کند تا بتواند به همراه یک محرم در خیابان ظاهر شود و از آنجا که بورقه گران است بسیاری از زنان افغانی نمی‌توانند از منزل خارج شوند و در خانه‌های خود زندانی شده‌اند. به همین ترتیب، هیچ زنی حق کار کردن بیرون از خانه ندارد و مطبوعات نیز حق مصاحبه کردن با زنان و چاپ عکس آنها را ندارند.

طی تحقیقی که دربارهٔ ۱۶۰ زن افغانی انجام شده است، از مهر ۱۳۷۵ تاکنون، که طالبان قدرت را در کابل به‌دست گرفته است، ۷۱ درصد از زنان مورد آزار جسمانی و ۸۱ درصد نیز مورد آزار روانی قرار گرفته‌اند. بر پایهٔ همین گزارش، ۶۹ درصد زنان را پلیس مذهبی یا نیروهای امنیتی دستگیر کرده‌اند که دلیل آن در اکثر موارد عدم رعایت مقررات تحمیلی طالبان در زمینه پوشش زنان بوده است. این گزارش می‌افزاید زنان حتی به صرف حضور در خیابان با این احتمال خطر روبه‌رو هستند که مورد ضرب‌وشتم قرار گیرند. جندی پیش دختری به علت ناراحتی معده جان خود را از دست داد. مادر این دختر قدرت خرید

است و بجز دو روزنامهٔ دولتی، باقی تعطیلند و حق نشر ندارند اما استفاده از مواد مخدر (تریاک) حلال و آزاد است. همچنین زنان فقط حق دارند نزد پزشک زن بروند و بدین منظور سه درمانگاه ویژه برای زنان با پزشک زن مهیا شده است. مردان نمی‌توانند زنی را صیغه کنند اما حق دارند تا چهار زن اختیار کنند. طبق آخرین اخبار رسیده، طالبان زنان و دختران به اسارت درآمده را میان مردان خود تقسیم می‌کند. به ازای هر فرد کشته شده در جنگ یک زن!

با این حال طالبان دربارهٔ اهداف اصلی خود نظر دیگری دارد و طی معرفی‌نامه‌ای، که به شبکه اینترنت فرستاده، از خود و اهداف گروه خود این‌گونه حمایت کرده است:

### ◀ جنبش اسلامی افغانستان و اهداف آن

در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶، زمانی که جنبش اسلامی طالبان حکومت و قدرت سیاسی را در کابل به‌دست گرفت و دولت اسلامی افغانستان را تشکیل داد، شهر کابل به قتلگهی میل شده بود، خزانه خالی بود، ادارها تعطیل بودند، سازمان‌ها نابود شده بودند و مردم از خدمات شهری مانند بهداشت، آب، برق، تلفن و حمل‌ونقل محروم بودند؛ مواد غذایی کمیاب و تورم غیرقابل کنترل بود و وابستگی اقتصادی شدت گرفته بود. هدف طالبان، از همان آغاز، پایان دادن به این وضعیت ناهنجار بود. در راه رسیدن به این هدف بزرگ، با یاری خداوند، موفق شد تغییرات مؤثری ایجاد کند که برخی از آنها عبارتند از:

۳- حمایت سازمان ملل متحد و سازمان کشورهای اسلامی از صلح: ما همواره مقدم نمایندهٔ ویژهٔ سازمان ملل و هیئت همراهش، همین‌طور نمایندگان سازمان کشورهای اسلامی، را به افغانستان گرمای می‌داریم و حداکثر تلاش خود را می‌کنیم آنها را به کابل و قندهار بیاوریم. ما تمام تسهیلات مورد نیاز آنان را در افغانستان فراهم می‌کنیم. رهبر دولت اسلامی افغانستان (طالبان) همواره به دنبال راهی برای تحکیم صلح و مذاکره با مخالفان بوده است تا اسلحه‌هایشان را زمین بگذارند و به پای میز مذاکره برگردند.

۴- احترام به قوانین و اصول سازمان ملل متحد: دولت اسلامی افغانستان (طالبان) خود را عضوی وقادار به سازمان ملل متحد می‌داند و با اصول مصوب این سازمان کاملاً موافق است و به آنها احترام می‌گذارد، مشروط به این‌که سازمان ملل متحد نیز با ترویج شریعت اسلام مخالف نباشد.

۵- برقراری روابط دوستانه همراه با احترام متقابل با همهٔ کشورها: دولت اسلامی افغانستان با در نظر گرفتن تمامیت ارضی این کشور و استقلال حاکمیت آن مایل است با همهٔ کشورهای منطقه و دنیا روابط دوستانه برقرار کند.

۶- برقراری حکومت اسلامی محترم و مسئول: از حدود ۱۳۰۰ سال پیش، که اسلام به کوه‌های هندوکش رسید، افغانستان همواره کشوری اسلامی بوده و هم‌اکنون نیز کشوری اسلامی باقی مانده است. قوانین الهی همواره در این کشور اجرا شده و بر همهٔ سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و قضایی کشور

افغانستان حاکم بوده است. در حال حاضر دولت اسلامی افغانستان (طالبان) بر طبق همین قوانین به راه خود ادامه می‌دهد اما، به‌منظور منطبق کردن این قوانین با وضعیت کنونی، تعدادی از آنها را حذف کرده است.

۷- حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های انسانی: دولت اسلامی افغانستان (طالبان)، پس از بازگرداندن امنیت و رعایت قوانین شریعت اسلام، عدالت و برابری برای همه مردم به ارمغان آورده است و از آنها حمایت می‌کند. به کمک شریعت اسلام، استبدادی که با کشمکش‌های تبعیض نژادی، زبانی، مذهبی یا قومی پدید آمده بود از میان رفته است.

۸- اعاده امنیت، آزادی و شأن زنان: دولت اسلامی افغانستان (طالبان)، به‌منظور راحتی زنان کشورش، نقطه پایانی بر شرایط دشوار زندگی در کابل گذاشت. زمانی که کمونیست‌ها بر کابل حکومت می‌کردند، زنان را استثمار می‌کردند تا به اهداف سیاسی و اجتماعی خود برسند. آنها، در زمان جنگ و بحران کاری، تعداد بی‌شماری از زنان را به کار در ادارات دولتی واداشتند.

طالبان تصمیم گرفت حقوق این زنان را در خانه‌هایشان پرداخت کنند، بدین ترتیب زنان می‌توانند در خانه بمانند و به وظایف همسراری و بچه‌داری خود بپردازند. هدف این خط‌مشی احیای بنیان خانواده در افغانستان و همچنین محکم کردن پایه‌های اجتماعی افغانستان است که کمونیست‌ها به عمد آن را سست کرده بودند. به‌محض آن‌که امنیت و اوضاع مالی مناسبی پدید آید، این دولت فرصت‌های شغلی و آموزشی برای زنان فراهم خواهد کرد. تا آن زمان سعی می‌کند امکاناتی فراهم کند تا زنان بتوانند جدا از مردان آموزش ببینند.

۹- رعایت حجاب و پوشش اسلامی: الزام رعایت حجاب اسلامی از سوی دولت اسلامی افغانستان (طالبان) کاملاً با معتقدات اسلامی و رسومات جامعه افغانستان سازگار است. پوشیدن جادر برای زنان در سراسر افغانستان عادی است. اسلام و سنت‌های افغانی برای امنیت و آبروی زنان جامعه اهمیت فراوانی قائلند.

به‌منظور موافقت با قانون حجاب اسلامی، که باعث حفظ امنیت فردی زنان می‌شود، این دولت از زنان خواسته است حجاب اسلامی را رعایت کنند و صورت خود را در انتظار عمومی بیوشانند. این اقدام به‌منظور حمایت از آبرو، شأن و امنیت فردی زنان در افغانستان انجام شده است.

۱۰- آموزش زنان: بر اساس تعالیم مقدس اسلام، دولت اسلامی افغانستان آموزش را پایه سلامتی فرد و اجتماع می‌داند. این دولت برای تمامی افغانی‌ها، صرف‌نظر از نژاد، قبیله و زبان آنها، آموزش‌هایی ترتیب داده است.

متأسفانه هم‌اکنون شرایط برای اجرای برنامه‌ای مبتنی بر تعالیم مؤثر اسلامی برای زنان افغانی مناسب نیست. بیش از ۹۰ درصد مدارس در زمان جنگ از میان رفته است. معلمان شایسته کشور را

ترک کرده‌اند. کتاب‌های مدارس مملو از تبلیغات کمونیستی و تعالیم مادی است. به دلیل سوءاستفاده از سیستم آموزشی برای مقاصد تبلیغاتی ضدایدئولوژیک و ملحدانه، اغلب پدران و مادران امروز افغانی در مدارس دین و ایمان خود را از دست داده‌اند. دولت اسلامی افغانستان (طالبان)، که علاقه شدیدی به فعال شدن مدارس کشور دارد، برای بازگرداندن امنیت مدارس، بازسازی ساختمان‌های ویران‌شده آنها، چاپ کتاب‌های جدید، و جذب معلمان قابل اعتماد، با مشکلات زیادی در تأمین بودجه و نیروی انسانی روبروست.

بودجه محدودی که دولت در اختیار دارد هم‌اکنون به مصرف جنگی می‌رسد که نتیجه دخالت کشورهای مثل ایران، روسیه، ازبکستان و هند است. مداخله این کشورها و اقدامات تروریستی‌ای که بر ضد مردان و زنان بی‌گناه افغانی صورت می‌گیرد موجب می‌شود امنیت مدارس، به‌خصوص مدارس دخترانه، و همچنین مراکز عمومی تا حد زیادی در معرض خطر باشد.

۱۱- حمایت از نمایندگان سازمان ملل متحد: دولت اسلامی از فعالیت‌های ضدتروریستی سازمان ملل کاملاً حمایت می‌کند. امنیتی که این دولت ایجاد کرده است زندگی آرامی برای شهروندان خارجی که در افغانستان کار می‌کنند، از جمله کارکنان سازمان ملل، گزارشگران خارجی و یا هر گروه بین‌المللی که از سرزمین‌های تحت کنترل طالبان دیدن می‌کنند، فراهم می‌آورد. امنیت جاده‌ها و راه‌های هوایی، که با تلاش این دولت حاصل شده است، رفت‌وآمد نمایندگان بین‌المللی را به سرزمین‌های آزادشده میسر می‌کند.

۱۲- تلاش برای مبارزه با مصرف داروهای قاچاق: دولت اسلامی افغانستان (طالبان) اعلام کرده است تولید و حمل‌ونقل داروهای قاچاق از این سرزمین حرام و غیرقانونی است. استفاده از مواد مخدر و الکل طبق قوانین شریعت اسلام حرام است. این دولت اقدامات جدیدی برای از بین بردن مزارع خشخاش و حبشش انجام داده است.

با این حال این دولت اعلام می‌کند، تا زمانی که بازاری سودمند برای این کالاها وجود دارد و وضع اقتصادی کشاورزان افغانی نامناسب است، دلالت به دلیل فقر این کشاورزان از آنها سوءاستفاده می‌کنند و تولید و حمل‌ونقل مواد مخدر قاچاق ادامه دارد.

۱۳- مخالفت با هر اقدام تروریستی: دولت اسلامی افغانستان (طالبان) از اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی، در هر جای جهان و با هر نام که باشد، حمایت نمی‌کند.

۱۴- بازسازی کشور متلاشی‌شده در جنگ: دولت اسلامی افغانستان (طالبان) از تمامی نمایندگان بین‌المللی، از جمله بانک جهانی، سازمان ملل و ... تقاضا می‌کند در بازسازی کشور افغانستان به این دولت کمک کنند. به‌منظور تسهیل در انجام دادن این امر، دولت اسلامی افغانستان آماده است بابت اجرای این برنامه هرگونه تضمینی بکند.

## فرم اشتراک

لطفاً خوانا نوشته شود

نام و نام خانوادگی: .....  
سن: ..... تحصیلات: .....  
تاریخ شروع اشتراک: ..... از شماره: .....  
نشانی: .....  
کد پستی: ..... تلفن: .....

(حتماً تلفن خود یا یکی از نزدیکانتان را بنویسید تا در صورت نیاز بتوان با شما تماس گرفت.)

❖ حق اشتراک برای ۱۲ شماره

❖ ایران: معادل ۲۶۰۰۰ ریال

❖ آمریکا، کانادا و خاور دور

❖ اشخاص حقیقی: معادل ۴۰ دلار

❖ کتابخانه‌ها و مؤسسات: معادل ۸۰ دلار

❖ اروپا

❖ اشخاص حقیقی: معادل ۶۵ مارک

❖ کتابخانه‌ها و مؤسسات: معادل ۱۲۵ مارک

❖ خاورمیانه: معادل ۲۰ دلار

❖ شرایط اشتراک داخل کشور

۱- لطفاً فرم اشتراک را پر کنید.

۲- حق اشتراک را به حساب جاری، ۱۹۷۰، به نام مجله "زنان"، بانک ملی، شعبه سمیه (قابل پرداخت در شعب سراسر کشور) پرداخت کنید.

۳- اصل فیش بانکی و فرم اشتراک را به نشانی تهران، صندوق پستی ۵۵۶۲-۱۵۸۷۵، مجله "زنان" پست کنید.

❖ شرایط اشتراک خارج کشور

❖ خوانندگان گرامی مقیم خارج کشور نیز می‌توانند حق اشتراک خود را به یکی از دو نشانی زیر پرداخت کنند و اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک به نشانی ما بفرستند.

❖ در آمریکا:

Bank of America / Roshangaran  
Publishing / # 01170 - 04178 / Paloalto  
Main office 0117 / 530 Lytton Ave. /  
Paloalto, Ca. 94301 / For Zanan  
Magazine / U.S.A

❖ در آلمان:

Ali Kafashe Tehrani  
K.4141915008-Blz.76026000 Noris Bank/  
Berlin / Germany

❖ خوانندگان گرامی مقیم کشورهای دیگر می‌توانند حق اشتراک خود را از طریق اقوام و آشنایانشان در ایران پرداخت کنند زیرا مبلغ گزافی از وجه اشتراک بابت هزینه‌های بانکی صرف می‌شود.



# تأسیس نخستین مدرسه دخترانه

## به همت زنان

نوشین احمدی خراسانی

● وقتی عده‌ای به بهانه اسلام‌خواهی مدارس دخترانه را تخطئه می‌کردند، صفیه یزدی همسر مجتهد طراز اول دوران مشروطیت، با تأسیس مدرسه دخترانه، بسیاری از مخالفت‌ها را در مورد تحصیل دختران بی‌اثر کرد.

در سال ۱۲۷۵ شمسی، ۱۰۰ سال پیش از اعلام فرمان مشروطیت و یک سال پس از جلوس مظفرالدین شاه، نخستین دبستان در ایران کار خود را آغاز کرد و تا ۱۰ سال بعد، که اولین مدرسه دخترانه تأسیس شد، مدارس جدید تنها پذیرای پسران بود. اما شور انقلاب مشروطیت زنان را نیز به حرکت واداشت و تفکر «طبیعی» بودن حق تحصیل فقط برای مردان به مبارزه فراخوانده شد.

مدارس دخترانه به همت خود زنان و با وجود تمامی موانع موجود تأسیس شد. از سوی دیگر، نیروهای محافظه‌کار جامعه نیز به ساختن سنگرهای مقاومت در برابر این پدیده جدید پرداختند. مخالفان تأسیس مدارس دخترانه برای استحکام سنگرهای خود از اقامه هیچ ادله‌ای کوتاهی نکردند و از هر ترفندی برای مقابله با آن استفاده کردند، به‌ویژه برای مخالفت خود از برخی اصول اسلامی و روایات سوءاستفاده کردند. روحانیون محافظه‌کار زمان مشروطیت برای تخطئه و بی‌حیثیت کردن مدارس دخترانه شب‌نامه‌های گوناگونی در سطحی وسیع پخش کردند و کار زنان را برای آموزش همجنس‌انسان با اختلال بسیار روبه‌رو کردند. در مخالفت با تأسیس مدارس دخترانه، سیدعلی شوشتری در آستانه حرم عبدالعظیم بست نشست و در تکفیرنامه‌ای، که آن زمان دانه‌ای یک‌شاهی به فروش رفت و حتی بازار سیاه پیدا کرد، نوشت: «وای به حال مملکتی که در آن مدرسه دخترانه تأسیس شود».

اما در این میان برخی روحانیون و نیروهای روشنفکر و نواندیش دینی از آموزش زنان در مجلس حمایت می‌کردند. فشار گروه‌ها و انجمن‌های زنانه به مجلس - برای به رسمیت شناختن تحصیل زنان - گسترش یافت. زنان با برگزاری گردهمایی طی قطعنامه‌ای خواستار تأسیس مدارس دخترانه و نیز حذف جهیزیه سنگین برای دختران شدند و اعلام کردند بهتر است هزینه جهیزیه دختران صرف

آموزش آنان شود. فشارهای زنان و نیز وجود افراد روحانیون خوش‌فکر در مجلس موجب شد که سرانجام مجلس حق تحصیل را برای همه افراد جامعه اعم از زن و مرد تصویب کند.

با این حال مخالفت برخی روحانیون سنت‌گرا با تأسیس مدارس دخترانه سبب می‌شد بخشی از توده مردم مخالفت این گروه را در حکم مخالفت اسلام با آموزش زنان قلمداد کنند. در این شرایط دشوار صفیه یزدی به میدان آمد و مدرسه دخترانه‌ای تأسیس کرد که نامش را «عفتیه» گذاشت. این حرکت بسیاری از مخالفت‌ها را خنثی کرد زیرا صفیه یزدی همسر شیخ محمدحسین یزدی از مجتهدان و روحانیون طراز اول تهران بود و تأسیس مدرسه دخترانه به دست همسر فردی روحانی ابهامات موجود در مورد مخالفت اسلام با تحصیل زنان را به تدریج از بین برد.

بعد از اصرار عده‌ای به مجلس، در متمم قانون اساسی تصویب شد که تعدادی از مجتهدان تمامی مصوبات مجلس را از نظر مغایر نبودن با احکام شرعی بررسی کنند. شیخ محمدحسین یزدی یکی از پنج مجتهد طراز اولی بود که برای نظارت بر این مصوبات انتخاب شد.

صفیه یزدی مدرسه عفتیه را در خیابان سیروس تأسیس کرد. او از زنانی همچون بدرالملوک وثیقی، نصرت تقوا و محترم لطفی که جملگی از پیشگسوتان تعلیم و تربیت دختران در ایران بودند دعوت کرد در مدرسه به آموزش و تدریس دختران بپردازند. صفیه یزدی، علاوه بر این افراد، از معلمان مرد نیز استفاده کرد و مردانی مانند ابوالقاسم خان نراقی، میرزا محمدخان نراقی و شیخ‌احمد اشکوری نیز در مدرسه عفتیه به معلمی پرداختند.

صفیه یزدی، علاوه بر تدریس کتب و اجرای برنامه‌های رایج در مدارس آن زمان، خود نیز برای دختران درباره مقام و حقوق زن سخنرانی می‌کرد. صراحت بیان و جسارت او در سخنرانی‌هایش آن‌چنان بود که وزارت فرهنگ وقت به او اخطار کرد

غیر از اجرای برنامه‌های رسمی نباید راجع به موضوعات دیگر در مدرسه سخن براند. شاید اگر نفوذ همسر صفیه یزدی، شیخ محمدحسین یزدی، نبود این اخطارها به تعطیلی مدرسه منجر می‌شد. اما به‌رحال نفوذ معنوی و زندگی وارسته شیخ محمدحسین یزدی و نیز مقام و موقعیتش در مجلس شورای ملی سبب شد که نه تنها نتوانند مدرسه را تعطیل کنند بلکه فعالیت‌های صفیه یزدی روی مردم تأثیرگذار تر شود و تبلیغات منفی علیه او و مدرسه‌اش نیز خنثی شود. بدین ترتیب، بعد از گذشت سه سال از گشایش مدرسه عفتیه، تعداد محصلان آن به ۶۶ نفر رسید که از این تعداد ۱۶ نفر رایگان تحصیل می‌کردند.

صفیه یزدی، پیش از تأسیس مدرسه عفتیه، در زمینه مسائل زنان فعالیت داشت که از جمله فعالیت‌های او عضویت در «انجمن آزادی زنان» بود که در سال ۱۲۸۵ تأسیس شده بود.

صفیه یزدی زنی آراسته، وارسته، خوش‌صحبت و موقر بود و در خانه پدری آموزش دیده بود. این بانوی پیشگام با فعالیت‌های خود فرزندان شایسته نیز به جامعه تحویل داد، از جمله مرصع، دخترش، که با تشویق او به تحصیل ادامه داد و حتی با علوم جدید، ریاضی و موسیقی نیز آشنا شد. بعدها او نیز راه مادر را دنبال کرد و مدیریت یکی از مدارس دولتی را برعهده گرفت.

به هر تقدیر، در آن زمان، که عده‌ای به بهانه اسلام‌خواهی مدارس دخترانه را تخطئه می‌کردند، صفیه یزدی با استفاده از دانش و نیز موقعیت خود، به‌عنوان همسر مجتهدی طراز اول، با تأسیس مدرسه دخترانه، بسیاری از مخالفت‌ها را در مورد تحصیل دختران بی‌اثر کرد.

منابع:

- ۱) زن ایرانی، بدرالملوک باعداد، ج دوم، ابن سینا، ۱۳۴۸.
- ۲) انجمن‌های نیم‌سری زنان در نهضت مشروطه، وانت آفاری، ترجمه دکتر جواد یوسفیان، نشر پاتو، ۱۳۷۷.



● چشم‌های زیبای پرجست‌وجو، دهان‌های باز پرصدا، و جست‌وخیزهای پر شروشور، تنها لحظه‌ای درنگ می‌کنند. انگشت طره‌ای مو می‌یابد برای پیچیدن و دندان مدادی برای جویدن، اما چشم‌ها و گوش‌ها متمرکز می‌شوند بر یک دهان: - بچه‌ها می‌خواهیم یه نقاشی راجع به کار مادرتون بکشید.

سکوت می‌شکند. فریادهای «آخ جون»، «چه آسون» سر می‌کشد اما دیری نمی‌پاید که همه‌ی شاد و زندگی‌بخش کودکان فروکش می‌کند. در اتاق کوچک مهد کودک «حدیث»، که تصویر چهار فصل رنگین بر دیوار آن نقش بسته است، نونهالان پنج شش ساله‌ی آبی‌پوش، با هزار فصلی رنگین در خیال، به نقطه‌ای مبهم چشم‌دوخته‌اند تا لحظه‌ای بعد آنچه را اندیشیده‌اند، با خط و طرح و رنگ بیان کنند و نقشی بزنند نه چندان ساده که تصویری از زندگی...

### دست‌های مادر به کار می‌افتد

شیطنت حسین پایانی ندارد. دوباره اسباب‌بازی‌اش خراب شده. اما خیالش راحت است که مادر هست و مثل همیشه آن را درست می‌کند. می‌داند که مادر درس دارد اما نمی‌تواند صبر کند. ماشینش باید زود درست شود. مادر را صدا می‌زند. مادر می‌آید. اعتراض می‌کند که چرا نمی‌گذارد درسش را بخواند. از گردن تا نوک پا بنفش است، با موهای مشکلی می‌گوید: «چه خبره؟» ماشین نارنجی حسین را که می‌بیند، موضوع را می‌فهمد. چشمان مادر نارنجی می‌شود و مزگانش چون چرخ‌های ماشین اما به رنگ نارنجی.

از حسین می‌پرسم:



پروین اردلان  
عکس: لاله شرکت

# تصویر مادر شاعلی در ذهن بچه‌ها

● چرا دست‌های مادر کلفت‌تر از پاهاشه؟  
○ (می‌خندد).

● چی پوشیده؟

○ مگه نمی‌بینی؟ لباس مکانیک‌هارو.

● مگه مامان مکانیکه؟

○ نه، خونه‌داره. ولی هر وقت اسباب‌بازی من خراب می‌شه، درستش می‌کنه.

● خودت کجایی؟

○ من اون پشت قاچم شده‌ام. آخه مامان عصبانیه.

● اگه مامان خونه‌داره تو چرا می‌آی مهد؟

○ آخه درس داره، نباید حواسش پرت بشه.



### بچه خورشیدخانم

هوا آفتابی است، خورشیدخانم با پرتوهای زرد خود همه‌جا را روشن کرده است. مادر پایین‌تر از خورشید، رو به آن، ایستاده. جز موها و دست‌هایش، همه بدنش نارنجی است. مادر با قلم‌موی سبزرنگ خود خورشید طلایی را در قاب سبز بوم نقاشی می‌کند ...  
از سامان می‌پرسم:

● مامان نقاشه؟

○ آره. از همون موقع که من دنیا نیومده بودم.

● نقاشی‌اش خوبه؟

○ خیلی.

● پس چرا خورشیدش فقط زرده، مثل خورشید

کارفرمای مادر در آن دیده می‌شود؛ در طبقه بالا نشسته است و تصویر مادر را در آینه روبه‌روی خود، می‌بیند.

از علی می‌پرسم:

● آینه‌ها برای چیه؟

○ رئیس داره مامان رو از توی آینه می‌بینه تا مامان خوب کار کنه. مامان هم داره اونو از توی آینه نگاه می‌کنه که ببینه رئیسش مواظبه یا نه.

● مگه مامان خوب کار نمی‌کنه؟

○ چرا، خیلی لباس‌های قشنگ می‌دوزه. اما خُب دیگه...

● مامان خیاطه؟

○ نه، خونه‌داره. کار نمی‌کنه اما من دوست دارم خیاطی کنه.

● چرا؟

○ چون لباس‌های بیشتری برام می‌دوزه.

● تو چرا می‌آی مهد؟

○ توی خونه حوصله‌ام سر می‌ره، اگه مامان بره سر کار، بیشتر می‌مونم مهد، مثل بچه‌های دیگه که مامانشون کار می‌کنه.



### بچه روان‌شناس

مادر کنار گاز دو شعله‌ای ایستاده. ظرفی در دست ندارد اما در فکر است که غذایی درست کند. بالای سر

● قاب عکس رو برای چی کشیدی؟  
○ برای این‌که مامان همه‌اش تو فکر بچه‌اش یعنی من باشه.

● پس عکس خودته؟

○ (می‌خندد) مثلاً.

● مامان خونه‌داره؟

○ نه، روان‌شناسه.

● پس چرا خونه است؟

○ برای این‌که آرزوم اینه که خونه‌دار باشه.

● چرا؟

○ برای این‌که بیشتر غذا بپزه، زودتر کارهاشو بکنه. خونه رو بیشتر تمیز کنه، یعنی وقتی هم مهمون نداریم، خونه تمیز باشه.

● مگه وقتی مامان نیست خونه کثیفه؟

○ نه، می‌خوام بیشتر تمیز باشه.

● تو و بابا خونه رو تمیز نمی‌کنید؟

○ بعضی وقت‌ها.

● وقتی می‌ری خونه، مامان اوامده؟

○ نه، می‌رم بالا پیش مامان چونم تا مامان بیاد.

● پس بابا چی؟

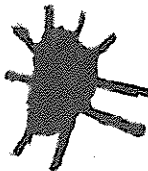
○ بابا دیر می‌آد.

● بابا هم باید به فکر بچه باشه؟

○ آره. ولی مامان بیشتر چون مامان‌ها بچه‌هارو بیشتر دوست دارن.

● دوست داری با بابا توی خونه تنها باشی؟

○ اگه کسی پهلوام نباشه، آره.



### خورشیدی که از غرب طلوع می‌کند

خورشید آرش از غرب طلوع کرده. خطی سرمه‌ای به نشانه آسمان تا خورشید ادامه یافته. سمت راست، چند خط صاف با گویی روی سر به نشانه چمن و چراغ تصویر شده است. اما از سبزی چمن و زردی چراغ خبری نیست. جز یک چراغ، بقیه سرمه‌ای است. در میان فضای یکدست و سفید، آدمی ایستاده بی دست و بی مو و توی فکر است ...

آرش می‌گوید: «این مامانه، می‌خواد بره غذا بپزه، می‌خواد بره خرید، می‌خواد بره شرکت که کار کنه.»

● چرا کار کنه؟

○ می‌گه اگر کار نکنه بی‌پول می‌شیم.

● بابا هم کار می‌کنه؟

○ آره، اون هم کار می‌کنه اما پول کمه. مامان پول می‌گیره می‌ده به بابا که پولدار بشه و دوباره پول بده به مامان.

● که چی کار کنه؟

○ که برای بچه کوچولویش لباس و اسباب‌بازی بگیره.

● بچه کوچولو الان کجاست؟

○ بابا بزرگ مواظب بچه مامانه که چیزیش نشه.

● اسمش چیه؟



اوساعتی روی دیوار است و بالاتر از آن تصویر کودکی در قاب.

یاسمن می‌گوید: «مامان می‌خواد غذا بپزه، یعنی داره فکر می‌کنه چی بپزه.»

واقعی نارنجی نداره؟

○ آخه می‌دونم، این بچه خورشیدخانمه.

● تو کجایی؟

○ من تو مه‌دم. مامان کارش زیاده، سینا هم همین‌طور.

● سینا؟

○ بابا رو می‌گم.

● دوست داری تو مهد باشی؟

○ آره اما دلم می‌خواد حداقل یه روز خونه بمونم.

● مامان چی؟

○ مامان هم دلش می‌خواد اما کار داره.

● چرا کار می‌کنه؟

○ برای این‌که پولدار بشیم، چیز بخریم، مثل ضبطی که با هم خریدیم.

● با هم؟ یعنی تو هم کمک کردی؟

○ خُب من هم پول‌هام رو دادم تا پول ضبط جور بشه.

● اگه پولدار بشید، باز هم دوست داری مامان کار کنه؟

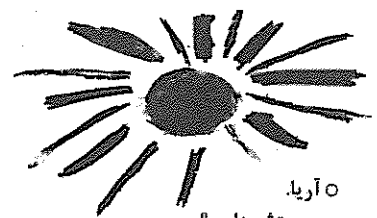
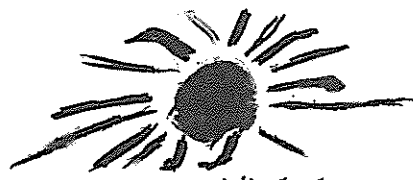
● خُب، معلومه. برای این‌که اون خیلی آدم مهمیه.



### وقتی مامان کار نمی‌کند

مادر مشغول خیاطی است. لباس صورتی به تن دارد. پشت میز نشسته است و پارچه‌ای طلایی را می‌دوزد. روبه‌روی مادر آینه‌ای قرار دارد که تصویر





### کودک نارنجی

مادر با لباس سفید کنار بوم نقاشی ایستاده. آن دوره‌ها، خورشید در حال غروب کردن است و به کوه‌های دور دست جلوه‌ای زیبا داده است. کوه‌های نارنجی، قرمز، سبز، قهوه‌ای و ... اما مادر که قلم را برمی‌دارد، خورشید را به رنگ طلایی می‌کشد. خورشید در بوم مادر طلوع کرده و کنار آن کودکی خندان به رنگ نارنجی ایستاده است.

علی می‌گوید: «مامانم داره تابلو رنگ می‌کنه.»

#### ● دوست داری مامان نقاشی کنه؟

○ آره، چون تابلو برام درست می‌کنه. من هم می‌تونم نقاشی یاد بگیرم.

#### ● چه قدر نقاشی بلدی؟

○ همین نقاشی رو مامانم یاد داده، سطلش رو خریده، قلم‌موش رو خریده ...

#### ● بابا چی کاره است؟

○ بابام دکتوره.

#### ● مامان چی؟

○ مامانم هم دکتوره ولی دوست دارم نقاش باشه.

#### ● پس چه جور نقاشی بلده؟

○ بلد نیستم، خودم کشیدم.

#### ● دوست نداری مامان دکتور باشه؟

○ خُب چرا. مریض‌ها پیش احتیاج دارن. من هم که مریض می‌شم خوبم می‌کنه.

#### ● مهد رو بیشتر دوست داری یا خونه‌رو؟

○ اینجا رو بیشتر دوست دارم. اینجا حوصله‌ام سر نمی‌ره.

#### ● چرا مامان کار می‌کنه؟

○ برای این که دوست داره مریض‌ها رو خوب کنه.

● اگه به روزی مامان بگه نمی‌خوام برم سر کار، چی می‌گی؟

○ می‌گم پس نقاش شو. می‌گم اگه نمی‌خوای کار کنی، خوب نکن اما من تو خونه نمی‌مونم، می‌خوام برم مهد.

می‌داند که پدر نیست و بچه‌ها هم هنوز نیامده‌اند. باید زودتر به خانه برود تا غذایی درست کند. نزدیکی‌های خانه بوی سوختگی به مشامش می‌رسد، با خودش می‌گوید چه بوی بدی می‌آد، نکنه غذام سوخته باشه. اما یادش می‌افتد که غذا درست نکرده است. بعد که وارد خانه می‌شود بوی خوبی به مشامش می‌رسد. بوی سوختگی از خانه همسایه است و بوی خوب از غذای روی اجاق؛ غذایی که پدر پخته است.

از سمن می‌پرسم:

#### ● چرا دو تا خورشید کشیدی؟

○ یکی‌اش داره غروب می‌کنه و یکی‌اش هم می‌ره و می‌آد.

#### ● مامان معلمه؟

○ نه، دوست دارم معلم باشه.

#### ● پس خونه‌داره؟

○ آره.

#### ● بابا چی؟

○ بابا کار می‌کنه، بعضی وقت‌ها زود و بعضی وقت‌ها دیر می‌آد خونه ...

#### ● بابا هم غذا درست می‌کنه؟

○ نه، دوست دارم که بابا هم بلد باشه غذا درست کنه. اگه بابا به مامان کمک کنه، مامان می‌تونه بره سر کار.



### a کوچک، A بزرگ

a کوچک، A بزرگ ... مادر این حروف را از روی تخته می‌خواند و شاگردانش با او تکرار می‌کنند. مادر زرد است با صورتی نارنجی و بچه‌ها نارنجی‌اند بر نیمکت‌هایی زرد.

#### ● بهاره، مامان معلمه؟

○ آره، معلم انگلیسی. توی دو تا دانشگاه درس می‌ده، به من هم انگلیسی یاد می‌ده. من انگلیسیم از همه بچه‌ها بهتره.

#### ● بابا چی کاره است؟

○ دندون‌پزشکه. مامان صبح می‌ره، عصر می‌آد اما بابا وقتی ناهارش رو می‌خوره می‌ره و دیر می‌آد.

#### ● چرا مامان کار می‌کنه؟

○ چون هم پول بابا کمه هم اگه مامان کار نکنه بچه‌ها نمی‌تونن انگلیسی یاد بگیرن.

● اگه به روز مامان بگه دیگه کار نمی‌کنم، چی می‌گی؟

○ می‌گم آخیش، راحت شدم! اگه به روزی مریض بشم، می‌مونه خونه و من کیف می‌کنم.

● حالا که سرما خوردی، دوست داری خونه باشی و مامان هم خونه باشه؟

○ آره، یعنی نمی‌دونم، چون می‌ترسم به چیزی بشه. آخه مامان سرما خورده بود و من از اون گرفتم. حالا می‌ترسم هی بیاد و بره باز ازش بگیرم. فعلاً بهتره بره سر کار.



### دو خورشید طلایی در یک تابلو

دو خورشید در آسمان آبی می‌درخشند. کار مادر تمام شده و در حال برگشتن از مدرسه به خانه است.

## بچه‌ها، مادران، کارشناسان

99 زن و شوهر اولی‌برج درآمد‌هایشان را روی هم می‌گذارند و بودجه خانواده را تنظیم می‌کنند. درآمد زن هم بخشی از درآمد خانواده است. زن دیگر سایه نیست و خانواده به یک واحد اجتماعی واقعی تبدیل شده است.

اما کار کردن زن با ارزش‌های بازممانده از جامعه کهن در تضاد است. ضرورت‌های زندگی نوین به کار کردن زن نیاز دارد و سنت‌های ریشه‌دار مردسالاری کار کردن زن را روا نمی‌داند. جامعه کهن از میان‌رفته است اما برخی از ارزش‌های آن هنوز برجاست. در چنین جامعه‌ای زن شاغل همواره در تناقض با ارزش‌های ناهم‌زمان با زمانه خود زندگی می‌کند، مبارزه می‌کند و با دشواری‌های بسیاری را بر دوش می‌گذرد. در جامعه‌ای که همه رسانه‌های رسمی هنوز تنها وظیفه زن را مادری می‌دانند، زن شاغل خطاکار است اما در واقع همین زن بخش مهمی از بار خانواده را به دوش می‌گذرد.

ارزش‌های سنتی می‌گوید زن باید در خانه بماند، اقتصاد و جامعه و اقتصادی رشد زنان می‌گوید زن نیز باید کار کند. و بچه‌ها، بچه‌ها چه می‌گویند؟ کارشناسان چه پاسخ می‌دهند؟ 88

### مادر چه کار می‌کند؟

«مامان که می‌آد خیلی خسته‌ست، می‌گه بیا بالش بذار زیر پام، می‌ذارم. پاهاش رو می‌مالم، برایش چای می‌ریزم. یه کمی دراز می‌کشه تا خستگیش در بره ... آخه مامانم آرایشگره، همه‌اش باید سر پا باشه و کار کنه ... خانم‌ها رو قشنگ می‌کنه اما خودش پادرد می‌گیره.» حسام ده سال دارد. تنها یک‌بار به محل کار مادرش رفته است اما سختی کار مادر را می‌داند و خستگی او را می‌فهمد.

«مامان خبرنگاره، چیز می‌نویسه تا مردم بخونن و کار بد نکنن.» غزل کوچولوی پنج ساله کار مادرش را مهم می‌داند اما خودش دوست ندارد خبرنگار شود: «مامان خیلی دیر می‌آد خونه.»

کنجکاوی بچه‌ها تنها با شنیدن ارضا نمی‌شود. بچه‌ها دوست دارند ببینند و بدانند مادرشان در محل کار چه می‌کند: «می‌دونستم مامانم توی مدرسه کار می‌کنه اما دوست داشتم مامانم منو با خودش سر کلاس ببره ولی مامان می‌منو توی خونه می‌ذاشت و می‌رفت. یک‌بار که منو با خودش برد، همه بچه‌ها شلوغ کردن. اون موقع خوشم نیومد اما حالا دوست دارم، برای این که مامانم به بچه‌ها چیز یاد می‌ده.» مهدی کلاس سوم دبستان است. او همراه مادرش به

مدرسه می‌رود و در همان مدرسه‌ای درس می‌خواند که مادر درس می‌دهد.

بچه‌ها دوست دارند شغل مادرشان متفاوت با شغل مادران دیگر و مهم باشد: «مادرم تمیزی رو به ما یاد می‌ده. همه مادرها می‌تونن اما مادر من که خانم بهداشت مدرسه است، بیشتر یاد می‌ده.» رامستین نه ساله آموزش پاکیزگی را کاری مهم می‌داند.

«مادرم خبرنگاره، کارش رو خیلی دوست دارم چون با مردم ارتباط داره.» رابعه نه ساله دوست دارد وقتی بزرگ شد، مانند مادرش خبرنگار شود. به اعتقاد او کار مادر پیش از نبودن او در خانه بر زندگی‌شان تأثیر گذاشته است: «بعضی وقت‌ها که تلویزیون نشون می‌ده و همه به خونه ما زنگ می‌زنند، من خیلی خوشحال می‌شم چون می‌بینم مامانم خیلی معروف شده.»

آشنایی با حرفه مادر در جهت‌دهی زندگی فرزندان بی‌تأثیر نیست: «بچه که بودم، مادرم مقاله می‌نوشت. هنوز نوارهای صدایم را دارم که می‌گفتم مامان داره ملاقه می‌نویسه. از چهار سالگی به هر جایی که مادرم کار می‌کرد می‌رفتم. با او به دادگستری هم می‌رفتم. بعدها در دوران دانشجویی

همیشه مادرم الگویم بود، تا این‌که همان رشته‌ای را انتخاب کردم که مادر انتخاب کرده بود، یعنی حقوق، و از انتخاب چنین رشته‌ای احساس غرور می‌کنم، همان‌طور که از شغل مادرم، مینا اکنون دانشجویی سال چهارم دانشگاه است. آشنایی او با شغل مادر و علاقه‌اش او را به ادامه شغل مادر سوق داد.



### چرا مادر کار می‌کند؟

«اگه مامان کار نمی‌کرد، بابا بیشتر احساس مسئولیت می‌کرد.» رضا ۱۲ سال دارد و پدرش حدود سه سال است که خارج از ایران کار می‌کند. مادرش معلم است. سارا، خواهر رضا، که ۱۶ سال دارد، حرف‌های رضا را تأیید می‌کند اما نظر دیگری هم دارد: «وقتی کوچک‌تر بودم بیشتر به مامان نیاز داشتم اما حالا اگر کار نکنند حوصله‌اش سر می‌رود. به نظر من مادرها بعد از این که بچه‌هایشان به جایی رسیدند و توانستند از عهده کارهای خودشان برآیند باید کار بکنند.»

«مادر باید برای کمک به خرج خانه کار کند، من قبول کردم ولی گاهی وقت‌ها از تنهایی خسته می‌شوم، مخصوصاً تابستان‌ها که مدرسه تعطیل است و من تا چهار بعدازظهر در خانه تنها هستم.» مادر حسام کارمند شرکت نفت است.

اشتغال زنان در دنیای امروز الزامی ساختاری است. حضور زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و تلاش آنان در تغییر موقعیت خود در نظام اجتماعی-اقتصادی گرچه ارزنده است اما در روند تحولات اجتماعی-اقتصادی ضروری شده است. در جوامع امروزی فعالیت اقتصادی زنان نقش مهمی در تأمین هزینه خانواده دارد اما این وضعیت در قشرهای مختلف اجتماعی متفاوت است و از آنجا که زن وظیفه مادری را هم بر دوش دارد باید باری مضاعف را تحمل کند.

دکتر شهلا اعزازی، جامعه‌شناس، در این باره می‌گوید: «کار زنان طبقه پایین جامعه، مانند زنان کارگر، تأمین‌کننده بخشی از هزینه خانواده است. برای آنها کار به معنای کسب درآمد و در واقع تأمین نان است. آنها می‌گویند کار می‌کنیم تا وضع مالی خوبی داشته باشیم. آرزو دارند که روزی بتوانند کار نکنند ولی هیچ‌وقت وضعیت آنها آن‌قدر مطلوب نمی‌شود که به آرزویشان برسند. اما برای زنان تحصیل‌کرده و روشنفکر کار هم موجد درآمد است و هم لذت. این درآمد برای رفاه بیشتر در زندگی هزینه می‌شود و نه برای نان. برای این‌گونه افراد کار رابطه‌ای اجتماعی است. بودن در جامعه است و ضرورت زندگی انسانی است، نوعی اثبات کردن خویش است و به همین دلیل لذت‌بخش هم هست.» اشتغال زنان چه برای تأمین نان و چه برای

## ● نبودن مادر در خانه کمی سخت است اما در عوض باعث شده که طعم استقلال را بچشم.

تأمین رفاه بیشتر تا چه حد مطرح است؟ سهم زنان در جمعیت شاغل کشور ما چه قدر است و این سهم تا چه اندازه در روند توسعه اقتصادی کشور مؤثر است؟

براساس آخرین سرشماری در ایران در آبان ۱۳۷۵، سهم نیمی از جمعیت کشور، یعنی زنان، در جمعیت فعال اقتصادی کشور ۱۲/۷ درصد بوده است. از هر هزار زن و مرد ۱۰ ساله و بیشتر شاغل یا بیکار در جست‌وجوی کار ۸۷۳ نفر مرد و ۱۲۷ نفر زن بوده‌اند. این آمارها نشان می‌دهد که هنوز اشتغال زنان در کشور ما نهادی نشده است و زنان یا توجه به ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه یا موانع بسیاری در اشتغال روبه‌رو هستند و سهم اشتغال آنان نسبت به دیگر کشورهای جهان بسیار پایین است. نتیجه پژوهشی گسترده در اروپا نشان می‌دهد که درآمد زنان شاغل در تأمین هزینه‌های خانواده نقش مهمی دارد. براساس این پژوهش که در کشورهای فرانسه، آلمان، انگلیس، اسپانیا و ایتالیا انجام شده‌است، ۵۹ درصد از زنان شاغل نیمی یا بیشتر از نیمی از درآمد خود را صرف تأمین نیازمندی‌های خانواده خود می‌کنند. طبق این پژوهش ۴۴ درصد نیروی کار در فرانسه، ۳۵ درصد نیروی کار در اسپانیا، ۳۷ درصد نیروی کار در ایتالیا و ۴۳ درصد نیروی کار در آلمان و انگلیس زنان هستند. در جهان، اشتغال زنان مانند اشتغال مردان

پدیده‌های عادی است اما اشتغال زنان در کشور ما برخلاف ضرورت‌های اقتصادی - اجتماعی هنوز در حد پایینی است.

دکتر ناهید مطیع، جامعه‌شناس، می‌گوید: «در ایران، به دلیل فرهنگ پدرسالاری و برخورد نادرستی که با اشتغال زنان می‌شود کار کردن زنان بسیار دشوار است. زنان نمی‌توانند به راحتی کار کنند و حتی از کار خود خشنود نیستند و این احساسی است که فرهنگ حاکم به زنان می‌دهد، چرا که زنان از یک سو به دلیل زن بودن با تبعیض روبرو هستند و از سوی دیگر از عهده وظیفه مادری که به آنان واگذار شده است به خوبی بر نمی‌آیند. بچه که بیمار می‌شود، مادر مورد سرزنش قرار می‌گیرد نه پدر. بدین ترتیب مادر نتیجه می‌گیرد که کار کردن امتیازی نیست. اگر می‌گوید نمی‌خواهم کار کنم نه به این دلیل است که از کار کردن بدش می‌آید بلکه برای این است که کار کردن در چنین فرهنگی برای زن ناگوار است.»



«مامان یک سال است که خودش را باز خرید کرده، قبلاً کارمند بود. هر روز از صبح تا چهار بعد از ظهر کار

دارد هم شاغل باشد، هم مادر و هم همسر.

«مادرم سردبیر یکی از مجله‌هاست. کارش زیاد و خسته کننده است، اگر ساعات‌های کاری منظمی داشت، بهتر بود. مثلاً در سال تحصیلی حدود ساعت هشت و نه شب به خانه می‌آید و تا آن موقع من و خواهرم تنها هستیم. تابستان هم که به مدرسه نمی‌رویم، بیشتر احساس تنهایی می‌کنیم.» فاطمه ۱۳ ساله دوست ندارد مانند مادرش روزنامه‌نگار شود اما دوست دارد مانند او کار مهمی داشته باشد، البته به شرطی که «به جوانب مختلف زندگی‌ام لطمه نزند و بچه‌هایم رنج نبرند.» او درباره مزایای شغل مادرش می‌گوید: «شاید این حرف بچگانه باشد اما وقتی می‌بینم مادرم را همه می‌شناسند یا وقتی به مسافرت می‌رود برایم سوغاتی می‌آورد یا از ارتباطش با مردم کشورهای دیگر می‌گویم و آگاهی‌ها را بیشتر می‌کند، از شغل او خوشم می‌آید. دکتری هست که هر وقت پیش او می‌رویم از مادرم ویزیت نمی‌گیرد و در عوض مجله می‌خواهد. یک بار که با خاله‌ام رفتم از او مجله نگرفت و ویزیت گرفت. یا مثلاً وقتی پارسال روز معلم به یکی از معلم‌هایم مجلد نشریه را هدیه دادم، احساس غرور کردم و اصلاً دلم نخواست که مادرم خانه‌دار باشد.»

حقوق انسانی و اجتماعی همپای خود بدانند، و اگر جامعه نیز از زن شاغل پشتیبانی کند، شاغل بودن زن نه به خود او و نه به دیگران صدمه نمی‌زند»



### مادرم پهلوان است

مهدی نمی‌خواهد مادرش کار کند: «آخه پیر شده. ۳۰ ساله کار می‌کنه داداشم همیشه می‌گه مامان توی زندگی ما مثل تانکه یا مثل یه پهلون.»

مادر محمدرضای ۱۰ ساله از کارکنان خدماتی درمانگاه است. فاصله زیاد خانه تا محل کار مادر سبب شده که او و خواهرش در مدرسه‌ای نزدیک محل کار مادر درس بخوانند و پس از پایان کار مادر همراه او به خانه باز گردند. محمدرضا معتقد است که با وجود چنین شرایطی می‌تواند درس‌هایش را بخواند اما معلم‌های او معتقدند که از نظر درسی بسیار افت کرده است.

ارزش‌های حاکم بر جامعه ما برای مرد کمتر مشارکتی در نگهداری و مراقبت از کودکان قائل

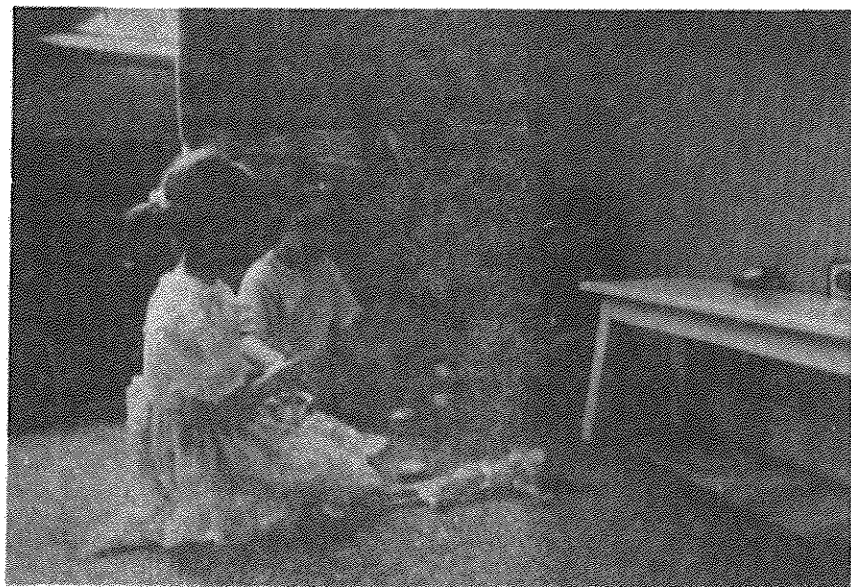
## ● وقتی چراغ خانه روشن است و بوی غذا می‌آید، یعنی مامان خانه است و من خوشحال می‌شوم.

می‌کرد. وقتی مامان نبود، یا خانه خودمان بودیم یا خانه مادر بزرگ. «نیمه که اکنون ۱۶ سال دارد، خاطرات خوبی از کار کردن مادرش ندارد. و نمی‌خواهد همسر آینده‌اش شاغل باشد. اما مادر او اگرچه از این‌که در خانه به فرزندانش رسیدگی می‌کند، راضی است اما خوشحال نیست که فعالیت‌های اجتماعی‌اش کم شده است. او دوست

است. در فرهنگ ما همه بار خانه‌داری و نگهداری کودک بر عهده زنان است. این فرهنگ با کار کردن زنان در بیرون از خانه مخالف است. برخی از زنان راه حل را در کار نیمه‌وقت جست‌وجو می‌کنند. مادر رامتین که مربی بهداشت است می‌گوید: «فرزندان مادران فرهنگی، چون به طور نیمه‌وقت کار می‌کنند، کمتر دوری از مادر را احساس می‌کنند. خود من اگر کاری غیر از این داشتم، کارم را رها می‌کردم.»

دکتر اعزازی با تأکید بر این مسئله می‌گوید: «خانمی که از هفت صبح تا ده شب کار می‌کند وقتی به خانه می‌آید، باید غذا بپزد، رخت بشوید، دوخت‌دوز کند و... چنین زنی از کارش راضی نیست و حق هم دارد. برای حل چنین مشکلی نمی‌توان گفت مادرها در خانه بنشینند و کار نکنند. نمی‌توان گفت دخترها درس بخوانند، دانشگاه بروند و بعد بروند خانه‌نشین شوند. ۳۰ درصد دانشجویان ما دختر هستند، یعنی ۳۰ درصد از هزینه مصرف شده در آموزش عالی با خانه‌نشین شدن زنان بی‌نتیجه می‌ماند و در خانه هدر می‌رود. حقوق مرد پاسخگوی هزینه‌ها نیست. در اقتصاد سالم زن و مرد هر دو باید کار کنند. درصد زنان شاغل هر کشوری از شاخص‌های توسعه اقتصادی آن کشور است. متأسفانه در هیچ کشوری مثل کشور ما درصد زنان شاغل تا این اندازه پایین نیست. اگر بخواهیم رشد کنیم، باید نیمی از افراد شاغل در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها

دکتر فرشته ناصری‌شهرپر، روان‌شناس کودک و نوجوان، می‌گوید: «در مورد اشتغال زنان، همواره باید مجموعه‌ای از عوامل را در نظر بگیریم. در جامعه سنتی آنچه بیشتر به عنوان عامل نمایان می‌شود، اشتغال مادر است. در حالی که اگر شوهر نسبت به هویت زن دیدگاهی مدرن داشته باشد و زن را از نظر





و مراکز گوناگون را زنان تشکیل دهند. گذشته از این، ممانعت از بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های زنان به معنای حذف آنان از جامعه است و تأثیرات ناگوار آن به‌ویژه بر زنان تحصیل‌کرده و بیکار بسیار زیاد است. دکتر شهپر می‌گوید: «هر انسانی هم برای تحقق خواسته‌های خود و هم برای خدمت به دیگران کار می‌کند و ما نمی‌توانیم این جنبه از خواست را از هیچ انسانی بگیریم. وجود مرد در خانواده برای این نیست که پول درآورد و خرج خانواده را بدهد چون در این صورت به او اجحاف شده و به زن هم همین‌طور. بیشتر مادران، به‌ویژه مادران تحصیل‌کرده و حتی در حد دیپلم و بیکار، هنگامی که بچه‌هایشان بزرگ می‌شوند، احساس زیان می‌کنند. آنها با این تصور که زودتر از دوام کنند و مادر شوند، کار را رها می‌کنند اما بعدها احساس می‌کنند که خود را فدای دیگران کرده‌اند»



### مادر گناهکار نیست

اگر مادران در نگهداری و مراقبت از بچه‌ها یاری می‌شدند و اگر نهادهایی به‌طور گسترده و همه‌جانبه برای نگهداری از کودکان وجود داشت، دغدغه‌ها از

بین می‌رفت و مادران از کار کردن راضی بودند. مادر سارا و رضا که معلم است می‌گوید: «وقتی مادری کار می‌کند، مسئولیتش چند برابر می‌شود. تنها به فکر خودش نیست، نگرانی برای فرزندش، این که بچه غذایش را خورد، یا نه، این که الان چه می‌کند... فشارهای بسیاری بر مادر وارد می‌کند و مادر احساس می‌کند که در حق فرزندش کوتاهی کرده است»

چرا مادران شاغل احساس گناه می‌کنند؟ دکتر مطیع با اشاره به فرهنگ حاکم می‌گوید: «بستر فرهنگی و ارزش‌های نظام پدرسالاری زن را مجبور می‌کند بین فرزندان و شغل خود یکی را برگزیند. این ارزش‌ها وظیفه مادری را محور می‌کند و مادر شاغل احساس می‌کند به فرزند خود ضربه زده است»

دکتر شهپر نیز حس گناه را ناشی از مادر محوری می‌داند: «وقتی به زن گفته می‌شود که وظایف مادری، بچه‌داری، خانه‌داری و رسیدگی به بچه و شوهر است، زن با هویت و نقشی که در اجتماع دارد در تضاد قرار می‌گیرد. به همین دلیل مادر همیشه احساس می‌کند که وظیفه‌اش را نسبت به بچه‌ها، شوهر و ... انجام نداده و نمی‌تواند بر این احساس تقصیر غلبه کند و این حس به بچه‌ها هم منتقل می‌شود. حتی اگر خانواده به دلیل نیازهای اقتصادی به کار کردن زن نیازمند باشد، باز هم زن توبیخ می‌شود که چرا در وظایف خانوادگی اش قصور کرده

است»

این مسئله حتی در مورد مادران شاغلی که فرزندان‌شان را به مهدکودک می‌فرستند هم وجود دارد. بعضی از مادران شاغل با این که محیط مهد را برای پرورش اجتماعی کودکان مفید می‌دانند اما حس می‌کنند با کار کردن در حق فرزندان‌شان کوتاهی می‌کنند و به‌واقع گناهکارند. مهناز آرین‌فرد، مدیر مهدکودک حدیث، که هم مادر است و هم شاغل می‌گوید: «بچه‌های زیر سه سال آرامش لازم را در مهد ندارند و محیط خانه برای آنها مناسب‌تر است. دوری آنها از مادر دشوار است و معمولاً در او حس گناه ایجاد می‌کند. ما حداقل کاری که می‌توانیم برای این مادران انجام دهیم، این است که در آنها اعتماد به وجود بیاوریم. علاوه بر عامل سن کودکان، احساس گناه در دو دسته از مادران شاغل بیشتر است: یکی آن دسته از مادرانی که زمانی طولانی از فرزند خود دور هستند و دیگر مادران شاغلی که اضطراب خود را به فرزند خود منتقل می‌کنند. بچه دوست دارد بیشتر بخوابد اما مجبور است زود بیدار شود، زود صبحانه بخورد، زود لباس بپوشد و ... و این یعنی اضطراب. این مادران می‌توانند برنامه خود را طوری تنظیم کنند که بهترین استفاده را از زمان کوتاهی که با فرزند خود هستند، بکنند.»

بستگی دارد و این بیش از همه به شخصیت و توانایی مادر بستگی دارد و مادر من این توانایی را دارد» اما فاطمه، علاوه بر کیفیت، کمیت رابطه را نیز مهم می‌داند: «بچه‌هایی که مادرشان خانه‌دار است، کمتر حوصله‌شان سر می‌رود. اگر مامان خانه بود، می‌توانستم در کارهایم از او کمک بخواهم، با او باشم، با او حرف بزنم، با هم ناهار بخوریم و ... همه اینها ممکن است بی‌اهمیت باشد اما برای من مهم است.» دکتر شهپر می‌گوید: «من همیشه به والدین می‌گویم مدت زمان بودن با بچه در مقایسه با چگونگی بودن با او اهمیت کمتری دارد. توجه کردن به بچه به معنای بودن طولانی مدت با او نیست. مهم چگونگی رابطه است.»

مهناز آرین‌فرد در این باره می‌گوید: «ارتباط مادر شاغل با فرزند بیش از همه به ساعت‌های مفیدی که با فرزند خود می‌گذرانند بستگی دارد. دختر من الان سال آخر دبیرستان است، تجربه خوبی در مورد کار مادرش ندارد و همیشه می‌گوید تا شش سالگی طلوع و غروب خورشید را در مهد دیده است. این نکته‌ای است که هیچ‌وقت فراموش نمی‌کند. اوایل برایش سخت بود که ببیند من محبت‌م را بین همه بچه‌ها تقسیم می‌کنم اما کم‌کم این مسئله برایش جاقافتاد. الان خودش دوست دارد کار کند. با این حال

## ● دکتر اعزازی: «کار زنان طبقه پایین جامعه، مانند زنان کارگر، تأمین‌کننده بخشی از هزینه خانواده است اما برای زنان تحصیل‌کرده و روشنفکر کار هم موجود درآمد است و هم لذت.»

هنوز با ساعت کار من مشکل دارد. برای جبران این دوری طولانی سعی می‌کنم ساعاتی که در خانه هستم به بهترین شکل در اختیار او باشم. و البته همه اینها باعث می‌شود که نیروی بیشتری از مادر گرفته شود»



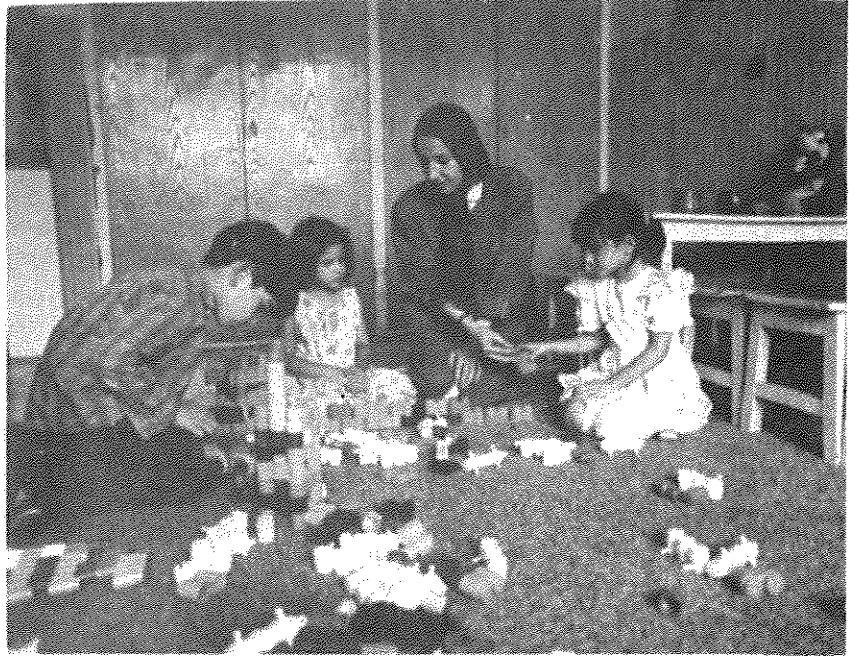
### اگر پدر به جای مادر در خانه باشد

ارتباط بین فرزند و مادر به تنهایی کافی نیست. خانواده جامعه کوچکی است که تداوم و تثبیت آن در سایه روابط مناسب میان پدر و مادر و فرزندان امکان‌پذیر است. بچه‌ها چه‌قدر با پدران خود ارتباط دارند و چه‌قدر دوست دارند با پدر در خانه باشند؟ پدر محمدرضا همیشه دیر می‌آید: «حرفی نداریم که با هم بزنیم»

شهرزاد دوست ندارد با پدر در خانه باشد: «آدم با باباش زیاد راحت نیست. بابای بزرگ هم با بابا بهتره چون قصه‌های قدیمی رو برای آدم تعریف می‌کنه و اصلاً با پدر قابل مقایسه نیست که همیشه از کارش می‌گه»

سلیقه یاشار به پدر نزدیک است و با او همفکری دارد، حال آن‌که برای حسام فرق نمی‌کند.

دکتر شهپر می‌گوید: «ارتباط پدر با فرزند اهمیتی حیاتی دارد. یکی از مشکلات زنان این است که احساس می‌کنند در تربیت و نگهداری بچه‌ها تنها



نمی‌شویم. فاطمه نیز روزهایی که مادر خانه نیست، ظرف می‌شوید، غذا گرم می‌کند و حتی غذا می‌پزد.

هستند. بخصوص موقعی که پسر و دختر به هویت زنانه و مردانه خود پی می‌برند، در دسترس نبودن پدر، به‌ویژه برای فرزند پسر، معضلی اساسی است. در بعضی کشورهای اروپایی مردان مرخصی می‌گیرند تا از کودک بیمار خود مراقبت کنند یا او را به گردش ببرند. اگر مردان به تدریج بپذیرند که زنان هم می‌توانند کار کنند و مثل آنها تصمیم بگیرند، زنان نیز می‌پذیرند که مردان می‌توانند از کودکان مراقبت کنند. دکتر اعزازی در این باره می‌گوید: «بچه تنها به مادر نیاز ندارد، پدر هم می‌خواهد. در خانواده‌های ما اگر کودکی یک تا یک ساعت و نیم با مادرش باشد، این زمان با پدر به چند دقیقه می‌رسد. تأکید بیش از اندازه بر مادری پدر را آگاهانه از یاد می‌برد. کودک به یک فرد محبوب نیاز دارد که الزاماً نباید مؤنث باشد و الزاماً نباید مادر باشد.»

کودک اثر می‌گذارد؟ مهنناز آرین‌فرد در این باره به نحوه برخورد والدین با مهدکودک اشاره می‌کند و می‌افزاید: «اگر والدین مهدکودک را محیطی آموزشی و مؤثر در رشد کودک ندانند و از روی ناچاری فرزند خود را به مهد بسپارند، همین حس را به بچه منتقل می‌کنند و ایجاد این حس در کودک مشکل‌ساز می‌شود. مهم‌ترین تأثیر این نوع نگرش ایجاد نگرانی در کودک است، آن هم لحظه‌ای که در انتظار آمدن پدر یا مادر است. لحظه‌ای که سایر بچه‌ها رفته‌اند و والدین او هنوز نیامده‌اند، این نگرانی در کودک به وجود می‌آید که نکند به دنبالم نیایند، نکند مرا بگذارند و بروند. وقتی پدر و مادر به بچه بگویند: «عیبی ندارد، برو»، یعنی عیب دارد. در این حالت کودک بیشتر نگران می‌شود. اما اگر پدر و مادر مثلاً به بچه بگویند «دل من هم برای تو تنگ می‌شود و سعی می‌کنم زودتر ببایم که بیشتر پیش هم باشیم»، نه تنها کودک در مهد مشکلی حس نمی‌کند بلکه محیط برای او دلپذیرتر هم می‌شود. ما برای بچه‌ها توضیح می‌دهیم که ما هم خانه دیگری داریم و مهد هم خانه ماست. با چنین نگاهی به مهد، محیط نه تنها برای کودک لذت‌بخش می‌شود بلکه در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی، گسترش روابط اجتماعی و یادگیری او نقشی کارساز دارد.»



### مادر شاغل خوب است یا ...

انشغال مادر، فارغ از فرهنگ پدرسالارانه، کم‌رنگی نقش پدر و عدم حمایت لازم جامعه از مادران شاغل، چه تأثیرات منفی و مثبتی بر فرزندان آنان دارد؟ دکتر شهر در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «انشغال مادر در فریخته‌تر شدن کودک نقش مهمی دارد و این بیشتر در فرزندان مادران شاغلی تحصیل‌کرده دیده می‌شود. میزان تحصیل مادر نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اجتماعی و فرهنگی کودک دارد. در اجتماع بودن و نوع فعالیت مادر هویت دیگری به مادر می‌دهد که به بچه هم منتقل می‌شود و او را اجتماعی‌تر بار می‌آورد.»

«تا ده سالگی یک دختر نازنازی بودم که لای پر قو بزرگ می‌شدم. هیچ‌وقت بیگاری مادر را ندیدم. پیش مادر بزرگ بزرگ شدم. نوه آخر بودم و عزیزدانه مادر بزرگ. ده ساله که بودم، مرگ مادر بزرگ با تولد خواهرم همزمان شد. دختری که تا آن موقع میوه‌اش را پوست‌گرفته می‌خورد و عزیز مادر بزرگ بود ناگهان مسئول نگهداری از خواهر خود شد و از او توقع داشتند وظایف خواهر بزرگ‌تر را انجام دهد. آن زمان مادرهای بیشتر دوستانم خانه‌دار بودند و دوستانم از مدرسه که می‌آمدند غذایشان حاضر بود. مریض که می‌شدند با مادرشان پیش دکتر می‌رفتند اما برای من این‌طور نبود. دوران سختی بود و از این تنهایی رنج می‌بردم. این وضع ادامه داشت تا این که در دانشگاه قبول شدم و فهمیدم که من هم نمی‌خواهم در خانه بمانم. مینا حالا خوشحال است که مادرش کار می‌کند»



### مهدکودک به جای مادر یا ...

در همه جای دنیا همواره نهادهایی چون مهدکودک و افرادی چون پدر بزرگ، مادر بزرگ، خاله، عمه، ... و پرستاران کودک از فرزندان مادران شاغل و حتی غیرشاغل نگهداری می‌کنند و این مسئله در کشور ما نیز رایج است و تا آنجا که امکانات مالی خانواده‌ها اجازه می‌دهد، بر مهدکودک تأکید بیشتری می‌شود. کودک تا چه سنی نیاز دارد با مادر باشد و از چه سنی لازم است در میان بچه‌ها باشد؟

دکتر شهر در این باره می‌گوید: «بچه در سنین نوزادی به ارتباطی فردی نیاز دارد - که آن فرد الزاماً هم نباید مادر باشد - و حضور در مهد در این سنین در برخی از بچه‌ها موجب اختلالات رفتاری، احساس ناامنی و یا پرخاشگری می‌شود. مادران شاغلی که هیچ‌کس را برای نگهداری بچه‌های خود ندارند، ناچارند فرزند خود را به مهدکودک بسپارند، حال آن که اگر مرخصی زایمان زنان شاغل مثلاً دو سال باشد، آنها مجبور به ترک فرزندان خود نیستند.»

به اعتقاد کارشناسان، مادران شاغل و حتی مادران خانه‌دار بهتر است کودک خود را از سه سالگی، که سن اجتماعی شدن کودک آغاز می‌شود، به مهد بسپارند. مهنناز آرین‌فرد در این باره می‌گوید: «متأسفانه بعضی از مادران به دلیل وضعیت شغلی و عدم امکانات مالی، در آن دوره‌ای که اقتضای سن کودک است، او را به مهد نمی‌سپارند و با این تصور که خودش می‌تواند برخی از کارهایش را انجام دهد مانع از رشد اجتماعی او می‌شوند.»

مهدکودک چگونه بر رشد شخصیت اجتماعی

### کار کردن مادر و سهم بچه‌ها

«بچه‌های مادران شاغل نسبت به سایر بچه‌ها مشکلات بیشتری دارند اما هنگام ورود به جامعه مشکلاتشان از سایر بچه‌ها کمتر می‌شود. نبودن مادر در خانه کمی سخت است اما در عوض باعث شده که بیشتر احساس مسئولیت بکنم و طعم استقلال را بچشم.» مادر شهرزاد ۱۲ ساله در فروشگاه شهروند کار می‌کند و شهروزاد مادر کوچک خانواده است. به نظر یاشار کار کردن مادر او را برنامه‌ریز بار آورده است: «خودم که یادم نمی‌آید به مادرم گفته باشم کار نکنند. با این که از سه سالگی در خانه بودم، هیچ‌وقت نبودن مادر را احساس نکردم. شاید به این دلیل که مادرم همیشه هم برای من و هم برای خودش برنامه‌ریزی می‌کند. ما به این نوع زندگی عادت کرده‌ایم و هیچ‌وقت با مشکلی روبه‌رو